

در این سرفصل همچنین می خوانید:

۵۴ باریکه آتش و خون

۵۹ تحولات اقتصادی جهان

۶۰ تحولات سیاسی جهان

۶۰ طرح ماه



چین و هند، در بستر تحولات

## غول‌های بزرگ، اما شکننده

سال قبل، با کاهش ۱۲ درصدی روبه‌رو گشته است. در سالی که گذشت، صدها کارخانه کوچک نساجی تعطیل شدند و حتی بسیاری از کارخانه‌های خودروسازی که طی سال‌های اخیر، در صنعت خودروی هند خوش درخشیده بودند، مجبور به تعلیق تولیدات خود شدند. با وجود این بانک مرکزی این کشور، ارزیابی خود را از رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۸ اصلاح نموده و آن را به ۷/۵ تا ۸ درصد کاهش داده است، ولی این میزان نیز خوش‌بینانه به نظر می‌رسد، زیرا ممکن است این نرخ در سال آینده به ۵/۵ درصد یا کمتر سقوط کند.

اگر نرخ رشد چین هم به همین میزان کاهش می‌یافت، برای این کشور، هم در داخل و هم در خارج از آن فاجعه به بار می‌آمد. در ماه دسامبر، چین سی‌امین سالگرد واقعه‌ای را جشن گرفت که آغاز سیاست‌های «اصلاحات و گشایش» به شمار می‌رود. از آن زمان تاکنون، میانگین سالانه رشد اقتصادی چین ۹/۸ درصد بوده است. با این حال، رکود کنونی در چین هم مسأله‌ساز شده است. هرچند در آمارهای این کشور ابهام وجود دارد، اما ارقام تجاری در ماه نوامبر ۲۰۰۸ که کاهش ۲ درصدی صادرات و ۱۸ درصدی واردات را در مقایسه با نوامبر ۲۰۰۷ نشان می‌داد، بسیار تکان‌دهنده بود. تولید انرژی در این کشور نیز با ۷ درصد کاهش روبه‌رو بوده است. با این که بانک جهانی و سایر سازمان‌های جهانی، هنوز انتظار دارند که محصول ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۰۹ به میزان ۷/۵ درصد رشد داشته باشد، اما این مقدار هنوز از رقم در نظر گرفته شده کمتر است و روند رو به رشد تظاهرات و اعتراضاتی که همیشه در چین معمول بوده است، امکان تحقق این میزان رشد اقتصادی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

تزلزل در دو اقتصاد بزرگ آسیا در حالی به وجود آمده که اقتصاد هند ضعیف‌تر، اما هراس رهبران چین بیشتر شده است.

رشد اقتصادی، از دو ناحیه دچار آسیب شده است: (۱) تأثیر پذیری از نوسانات اقتصادی جهان و (۲) حملات تروریستی اخیر به بمبئی.

طبق گزارش‌های رسیده، دو عامل در افزایش اعتماد به نفس هند طی سال‌های اخیر نقش داشته است. عامل اول، جهش بی‌وقفه در رشد اقتصادی این کشور است که میانگین سالانه آن به مدت پنج سال، ۸/۸ درصد بوده است و عامل دوم، افزایش همزمان اهمیت و اعتبار هند در سطح جهان می‌باشد که شرایط ویژه‌ای را برای این کشور در مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان فراهم کرده است.

حملات بمبئی که گفته می‌شود گروه‌های تروریستی مستقر در پاکستان مسبب اصلی آن بوده‌اند، با فراهم آوردن موجبات عملیات نظامی تنبیهی، ترس از تکرار درگیری‌های منطقه‌ای را دوباره زنده کرده است. به عبارت دیگر، بروز روزافزون مشکلات اقتصادی در هند، در کنار ناامنی‌ها در مرزهای غربی این کشور، در درجه‌های بالا در عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی و اقتصاد این کشور به وجود آورده، به طوری که میزان صادرات هند در اکتبر ۲۰۰۸ در مقایسه با مدت مشابه

اگرچه ابرهای رکود و ناامیدی با سرعتی بسیار چشمگیر بر اقتصاد جهان سایه افکنده‌اند، اما این تغییرات، به خصوص در چین و هند - دو کشور پُرجمعیت جهان - بسیار ناگهانی رخ داده است. این دو کشور، به عنوان دو قدرت اقتصادی نوظهور در جهان که با سرعت فزاینده‌ای در حال رشد هستند، تا مدت‌ها خود را در برابر سرایت بحرانی که جهان را دچار کرده است، ایمن می‌دیدند. افراد خوش‌بین حتی امیدوار بودند که این بازارهای بزرگ رو به رشد، بتوانند اسبابی را برای رهایی جهان از رکود فراهم کنند. اما اکنون این هراس وجود دارد که خلاف این امر اتفاق بیفتد. اکنون بزرگترین دغدغه این دو کشور قدرتمند، این است که رکود جهانی، آنها را نیز به قهقرا ببرد. این واقعیت که این دو کشور، علیرغم تمام موفقیت‌ها، هنوز هم فقیر هستند، شکنندگی این دو اقتصاد بزرگ را گوشزد می‌کند.

با وجود همه این بدبینی‌ها و بر خلاف مشکلات سیاسی و اقتصادی تشویش‌زایی که دامنگیر این دو کشور است، چین و هند هنوز پویاترین اقتصادهای جهان را دارا هستند. در مورد هند، لازم به یادآوری است که خوش‌بینی این کشور نسبت به روند رو به

## تحولات غزه

## باریکه آتش و خون



## دلایل مبارزه و شهادت کدامند؟ تحلیلی از واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»

دارد. این جبهه خواستار گشوده شدن کلیه گذرگاه‌ها به مصر و مناطق صهیونیست‌نشین و همچنین توقف عملیات نظامی و خروج کامل نیروهای اسرائیل از نوار غزه است. ایدئولوژی رهبران حماس بر پایه مبارزه، مقاومت و فداکاری است. اگرچه آنها توانستند بر سر آتش‌بس با اسرائیل به توافق برسند، اما به اعتقاد حماس، آنان باید روزی با اسرائیل می‌جنگیدند و شاید آن زمان، اکنون بود. چنین به نظر می‌رسد که کشته شدن غیرنظامیان در غزه، دلیلی برای توقف جنگ از سوی طرفین نیست، بلکه تأکیدی بر ادامه آن است. حماس معتقد است که صلحی



در کار نیست و جنگ و شهادت است که راه‌هایی ملت فلسطین از تهدیدات همیشگی رژیم صهیونیستی خواهد بود. به اعتقاد آنان، کوتاه آمدن در مقابل اسرائیل، به معنی تسلیم شدن است و این امر، صهیونیست‌ها را تشویق می‌کند تا حتی بدتر از این عمل کنند.

## مرحله سوم

الگوی جنگ ۳۳ روزه بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ در ذهن هر دو طرف باقی مانده است. حماس می‌خواهد همانند حزب‌الله عمل کند و قدرتمندترین ارتش خاورمیانه را در اختیار بگیرد. در حالی که اسرائیل نمی‌خواهد این تجربه دوباره تکرار شود. اگر اسرائیل بخواهد جنگ غزه را ادامه دهد، مرحله بعدی، اعزام نیروهای ذخیره به غزه است. بدین معنی که عملیات به مرحله سوم خود وارد می‌شود و اراضی بیشتری از غزه به تصرف در خواهد آمد. جنگ غزه، نقطه اوج یک مجادله دیرینه بود. رهبران و دیپلمات‌های خارجی که در تلاش برای ایجاد صلح بین اسرائیل و فلسطین هستند باید دورنمای مشخصی داشته باشند. سخنگوی حماس بیان کرد که طی مدت آتش‌بس، هیچ تغییری در سیاست‌های اسرائیل ایجاد نشده و برعکس، غزه و کرانه باختری به دفعات مورد حملات روزانه صهیونیست‌ها قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، با مبهم بودن سیاست‌های آمریکا تحت ریاست جمهوری باراک اوباما، احتمالاً صهیونیست‌ها این موقعیت را یکی از آخرین شانسی می‌دانند که خود برای به زانو در آوردن حماس ارزیابی می‌کردند که البته محقق نشد. ■

با گذشت چند هفته از جنگ اسرائیل و فلسطین - علیرغم پذیرش آتش‌بس از سوی طرفین - هر دو طرف هنوز دلایلی برای ادامه جنگ دارند. اسرائیل در مقابل تعداد کشته‌ها و زخمی‌های غزه، تلفات زیادی نداده است. با این که بسیاری از نیروهای ذخیره این کشور بسیج شده‌اند، حمایت عمومی از این جنگ ادامه دارد.

از نظر دولت اسرائیل، این جنگ بسیار تأثیرگذارتر از جنگ لبنان در سال ۲۰۰۶ بوده است. شرایط نابرابر روزهای گذشته، به گونه‌ای نیست که بتوان در آن پیروزی را تعریف کرد. با این همه زبیبی لیونی، وزیر امور خارجه و ایهود باراک در مقام وزیر دفاع اسرائیل، برای دستیابی به اهداف مدنظر خود در دولت رژیم صهیونیستی، نیازمند فراهم ساختن شرایطی هستند که جنگ علیه فلسطینیان مقدمه‌ای بر آن بود. برخلاف اولمرت، نخست‌وزیر مستعفی

اسرائیل که به علت فساد مالی در حال ترک دولت است، لیونی و باراک، انتخابات عمومی ۱۰ فوریه را پیش‌رو دارند. می‌توان گفت آنها دو هدف اصلی را در سر می‌پروراند که هیچ یک از آنها هنوز حاصل نشده است. هدف اول، نابودی حماس و یا ایجاد رعب و وحشت در این جبهه، برای جلوگیری از حملات موشکی این گروه علیه مناطق صهیونیست‌نشین است و هدف دوم، کنترل مرز بین غزه و مصر بوده تا حماس دیگر نتواند از این کانال، سلاح و ارز وارد کند.

اسرائیل با این پیش‌زمینه که می‌تواند فشارهای بین‌المللی را متوقف کند، تاکنون بسیاری از متحدانش را قانع کرده که حق دفاع از خود را دارد، اما نتوانست در جنگ نابرابری که در پیش گرفته بود، پیروز شود. در این جنگ که به کشته شدن تعداد زیادی افراد غیرنظامی، از جمله زنان و کودکان منجر شد، وجهه بین‌المللی اسرائیل به شدت تخریب شد. از سوی دیگر، با توجه به رأی منتعق آمریکا به قطعنامه آتش‌بس شورای امنیت سازمان ملل، اسرائیل انگیزه کافی برای نقض این قطعنامه را دارد، زیرا معتقد است این قطعنامه عملی نبوده و از سوی جنبش‌های فلسطینی اجرایی نخواهد شد.

## لحظه مبارزه

از سوی دیگر، حماس هم برای ادامه جنگ دلایلی

به نظر می‌رسد که دولتمردان این کشور درصد هستند تا در راستای کمک به صادرکنندگان، ارزش یوآن را کاهش دهند. البته در شرایطی که راه‌های کم‌خطرتری برای دولت چین جهت رفع این مشکل وجود دارد، این اقدام می‌تواند اثرات زیان باری بر جای بگذارد. توجه به این نکته که دولت بودجه‌ای مازاد را اداره می‌کند و در مقایسه با دیگران بدهی کمتری دارد، کافی است تا به این باور برسیم که دولت چین، تمهیدات مناسب‌تری را در جهت تقویت اقتصاد و مقابله با آثار و عواقب بحران‌های فراروی خود اتخاذ کرده است. در ماه نوامبر، چین از بسته محرک مالی ۶۰۰ میلیارد دلاری (معادل ۴ تریلیون یوآن) خبر داد. این طرح در اصل، تبلیغی برای متقاعد کردن مردم چین و دنیای بیرون بود، تا بپذیرند که دولت در مورد تشویق تقاضا در داخل، رویکردی جدی دارد. با این وجود، باز هم به نظر نمی‌رسد که دولت چین بتواند اکثریت روستانشینان این کشور را متقاعد کند تا به جای ذخیره پول، آن را صرف افزایش تقاضای داخلی کنند؛ مگر این که دولت در دو زمینه پرداخت حق و حقوق بالاتر به کشاورزان و ایجاد پشتوانه اجتماعی مناسب برای آنان، انبساطی‌تر عمل کند.

## چالش‌های هندی

برخلاف چین، هند نمی‌تواند در برابر مشکلات اقتصادی جهان ایستادگی کند. اقتصاد این کشور، نه تنها بسیار کوچک‌تر از چین است، بلکه اوضاع مالی دولت هم آشفته به نظر می‌رسد. کسری بودجه این کشور، جسارت ارایه پیشنهاد یک محرک بزرگ‌تر را که ممکن است رکود اقتصادی را تسکین دهد، از دولت گرفته است. اگر چین بخواهد سالانه برای ۷ میلیون نیروی کار جدید، اشتغال ایجاد کند، باید رشد اقتصادی معادل ۸ درصد داشته باشد، در حالی که هند به عنوان کشوری با جمعیت جوان بیشتر که نیروی آماده به کار آن، هر سال ۱۴ میلیون نفر افزایش می‌یابد، چگونه می‌تواند از عهده این کار برآید؟

به هر حال، برای مواجهه با رکود اقتصادی، هند نسبت به چین از دو امتیاز بزرگ برخوردار است: یکی تجربه‌های متعدد این کشور در رویارویی با این موضوع است و دیگری، نظام سیاسی حاکم بر این کشور می‌باشد که بدون آسیب‌پذیری از شبهات اگزستانسالیستی، می‌تواند از عهده نارضایتی‌ها برآید. ■